تفاوت بین

ازدواج مسیار و ازدواج موقت

|  |  |
| --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | تفاوت بین ازدواج مسیار و ازدواج موقت |
| **نویسنده:** | اسحاق دبیری |
| **موضوع:** | پاسخ به شبهات و نقد کتاب‌ها |
| **نوبت انتشار:** | اول (دیجیتال)  |
| **تاریخ انتشار:** | دی (جدی) 1394شمسی، ربيع الأول 1437 هجری |
| **منبع:** | کتابخانه عقیده www.aqeedeh.com |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.** **www.aqeedeh.com** |  |
| **ایمیل:**  | **book@aqeedeh.com** |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** |
| www.mowahedin.comwww.videofarsi.comwww.zekr.tvwww.mowahed.com |  | www.aqeedeh.comwww.islamtxt.com[www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)www.sadaislam.com |
|  |  |
|  |
| contact@mowahedin.com |

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

[تفاوت بين ازدواج مسيار و ازدواج موقت 1](#_Toc418286211)

[ازدواج مسيار 3](#_Toc418286212)

[حکم ازدواج مسيار 4](#_Toc418286213)

[ازدواج موقت (متعه) 7](#_Toc418286214)

[تفاوت ديگر ازدواج مسيار و ازدواج موقت 9](#_Toc418286215)

[تبصره 10](#_Toc418286216)

[خلاصه 13](#_Toc418286217)

تفاوت بين ازدواج مسيار و ازدواج موقت

الحمد لله الذي خلق من الماء بشراً فجعله نسباً وصهراً، والصلاة والسلام على خاتم رسل الله محمد وآله وصحبه ومن والاه إلى يوم الدين.

این بحث مختصری برای جوان مسلمان در مرحله سوم از عمرشان است که هنوز ازدواج نکرده و اطلاعاتی کافی از فقه اسلامی دربارۀ مسائل عامه زندگی ندارند.

این بحث از دو جهتِ آشکار و جدید در جهان اسلام بطور عمومی و در منطقه خلیج به طور خصوصی ضروری به نظر می‌رسد.

- توضیح ازدواج مسیار.

- اشتباه بعضی از برادران شیعه بین ازدواج مسیار و ازدواج موقت.

خداوند همه ما را به راه حق و صواب هدایت دهد.

مواقف زیادی – بدون مبالغه – از بعضی برادران شیعه در برابر بعضی جوانان اهل سنت خصوصاً در مقطع سنّی مذکور مشاهده شده است یعنی آنان اقدام به نکاح متعه می‌کنند با این ادعاء که با ازدواج مسیار که بعضی از علماء اهل سنت آنرا جائز می‌دانند یکی است. این کار ادامه یافت تا جایی که ممکن است بعضی از این جوانان بدون علم به حقیقت نکاح مسیار و تفاوت ذاتی آن با نکاح متعه در حرام بیافتند. با این باور که کار حلال انجام داده‌اند. بنابراین ذیلاً تعریف ازدواج مسیار و فرق آن با ازدواج موقت به اختصار بیان می‌شود. تا هر کسی که این دو را با هم اشتباه می‌گیرد بتواند تقوای خدا را عملی سازد و ناخواسته اسباب افساد جوانان فراهم نشود.

ما حتی جوانان را به ازدواج مسیار ترغیب نمی‌کنیم چون علی‌رغم اجازه برخی علماء اسباب مشخصی دارد که این اسباب چهارچوب آنرا بسیار محدود می‌کنند. اما در هر صورت آنرا توضیح می‌دهیم تا جوانان با این شبهه که نکاح متعه همان نکاح مسیار است مرتکب نکاح متعه نشوند.

ازدواج مسيار

نکاح مسیار همان ازدواج شرعی با شروط و ارکان معروف در علم فقه است ولی در آن زن با رضایت خودش متضمن می‌گردد از بعضی حقوق شرعی خود بر عهدۀ زوج تنازل کند مانند عدم درخواست نفقه و مسکن و عدم رعایت قسم (عدالت در همبستری بین همسران) یعنی مرد بدون تحدید و در وقتی معلوم که با اختیار و رضایت زن و مرد مشخص شده است نزد او می‌آید.

شاید اصل نامگذاری آن از سیر یعنی رفتن نزد زن در شب یا روز باشد. مسیار بر وزن مفعال یعنی مردی که زیاد رفت و آمد می‌کند، یا در منطقه خلیج نامگذاری آن از کلمه «التسیوره» به معنی زیارت کوتاه در روز گرفته شده است.

می‌توان بارزترین اسباب تجویز آنرا در مردان اسباب زیر دانست.

- عدم اشباع مرد نزد همسر اولی به علت سن زیاد او و کاهش رغبت در معاشرت جنسی با شوهر خود.

- عدم قدرت مرد در تأمین هزینه‌های سنگین از جمله مهریه، مسکن و ... است که امروز سقف مهریه و هزینه مراسم ازدواج بالا رفته است.

- عدم مستقر دائمى بودن در محل كار.

اما اسباب تجویز آن در زنان عبارتند از:

- افزایش دختران مسن، بیوه‌زنان و طلاق بین همسران.

- حفظ پاکدامنی و داشتن فرزند و میسر نشدن ازدواج دائم.

- نیاز به ماندن در خانه پدر و مادر برای مراقبت از آنان یا یکی دیگر از نزدیکان.

- مشغولیت زیاد به فرزندان و اشتغال در خارج از منزل.

به علت مشکلات ناشی از نکاح مسیار بعضی از علماء آنرا تحریم کرده‌اند چون گاهی به دلیل عدم استقرار آن و سوءاستفاده بعضی از افراد جامعه(زن یا مرد) از آن تهدیدی علیه کیان خانواده به حساب می‌آید.

با اين حال بسیاری از ازدواجهای مسیار استقرار داشته و عملاً موفق بوده‌اند به علت اينكه طرفین آن بسیار جدی و صادق بوده‌، و چیزی بیشتر از ده سال از نشأت و انتشار آن در منطقه می‌گذرد، در مقابل بسیاری از این نوع ازدواج به علت عدم صداقت وجدیت طرفین به جدایی منجر شده‌اند گرچه این دو عامل علت اساسی جدائی در نکاح اصلی نیز هستند. در هر صورت توصیه می‌کنیم کسی که اقدام به چنین ازدواجی می‌کند تقوای خدا را در مورد خود، جامعه و زنی که می‌خواهد او را عقد کند مراعات نماید.

حکم ازدواج مسيار

ازدواج مسیار اگر ارکان و شرائط شرعی خود مانند رضایت زوجین حضور ولی و شاهدین و ... را داشته باشد صحیح است و اینکه زن از بعضی حقوق خود تنازل کند در صحت عقد ازدواج خلل ایجاد نمی‌کند چون نصوص شرعی در تأیید آن وجود دارند.

1. خداوند می‌فرماید: ﴿وَإِنِ ٱمۡرَأَةٌ خَافَتۡ مِنۢ بَعۡلِهَا نُشُوزًا أَوۡ إِعۡرَاضٗا فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡهِمَآ أَن يُصۡلِحَا بَيۡنَهُمَا صُلۡحٗاۚ وَٱلصُّلۡحُ خَيۡرٞۗ﴾ [النساء: 128].

«و اگر زنى، از طغيان و سركشى يا اعراض شوهرش، بيم داشته باشد، مانعى ندارد با هم صلح كنند (و زن يا مرد، از پاره‏اى از حقوق خود، بخاطر صلح، صرف نظر نمايد) و صلح، بهتر است».

ام‌المؤمنین عائشه ك دربارۀ سبب نزول آن می‌گوید: «زنی که شوهرش از او بهره کامل نمی‌برد و می‌خواهد طلاقش دهد و زنی دیگر را عقد کند ولی زن به مرد می‌گوید: مرا نگه دار(طلاقم مده) و زن دیگری عقد کن و در نفقه و قسم دربارۀ من اختیار کامل داری. این مصداق قول خداوند است که می‌فرماید: ﴿فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡهِمَآ أَن يُصۡلِحَا بَيۡنَهُمَا صُلۡحٗاۚ وَٱلصُّلۡحُ خَيۡرٞۗ﴾. (رواه البخاری 5206، فتح الباری 9/304، تفسیر قرطبی 5/403).

علی می‌گوید: این آیه دربارۀ زنی نازل شد که مفارقت از شوهرش را نمی‌پسندد پس روی این اصل که هر سه یا چهار روز یکبار به او سر بزند با هم مصالحه می‌کنند. (فتح الباری، شرح حدیث 4601).

ابن کثیر در تفسیر این آیه می‌گوید: «اگر زن ترسید که شوهرش از او جدا شود یا اعراض کند می‌تواند از حقوقش مانند: نفقه، لباس، هم‌بستر شدن و امثال اینها در مقابل شوهرش تنازل کند، و شوهر می‌تواند آنرا بپذیرد و هیچکدام از زن و مرد در این مورد گناهکار به حساب نمی‌آیند. (تفسیر ابن کثیر 2/561 – 562 چاپ دارالمعرفه).

1. عروه بن زبیر از عائشه ك روایت می‌کند که سوده دختر زمعه روز خودش را به عائشه بخشید و پیامبر ص در سهم سوده و سهم خودش نزد عائشه می‌رفت. (رواه البخاری 5212).

بدین خاطر فقهاء تصریح کرده‌اند که زن می‌تواند از حقوق خود در مقابل شوهرش تنازل کند. (المغنی 10/262).

بنابراین دارالافتاء مصر و هیأت فتوی در وزارت اوقاف و شئون اسلامی کویت و عبدالعزیز بن عبدالله بن باز(:) و شیخ عبدالعزیز بن عبدالله آل الشیخ مفتی عام عربستان سعودی و تعداد زیادی از اعضاء هیئت افتاء و دعوت و ارشاد در عربستان سعودی همه فتوای صحت ازدواج مسیار را صادر کرده‌اند.

علاوه بر صحت ازدواج مسیار از نظر شرع مصالحی نیز برای دو طرف زن و مرد دارد مانند اینکه: مرد راغب است از راه حلال ارضاء جنسی گردد اما توان تحمل تکالیف آن و مخارج زن دوم را ندارد، و زن نیز دوست دارد ازدواج کند و از نفقه و مسکن و رعایت عدالت در همبستری با او صرف‌نظر نماید. در واقع زن می‌خواهد شوهری داشته باشد تا دچار حرام نشود و پاک‌دامن بماند.

پس چون ازدواج مسیار ازدواجی صحیح است احکام شرعی ازدواج دائم بر آن مترتب می‌گردند. یعنی باید به زن مهریه پرداخت شود و شوهر از نظر نسبی پدر فرزندان محسوب گردد و در ازدواج مسیار مانند ازدواج دائم بعضی از زنان خویشاوند همسرش (مانند: مادر زن، خواهر زن و ...) بر او حرم می‌گردند و زن هنگام طلاق یا مرگ شوهر باید عده را بگذارند و در صورت مرگ یکی از زوجین دیگری از او ارث می‌برد.

ازدواج موقت (متعه)

ازدواجی است که در آن مرد زن را برای یک مدت معین در مقابل مهریه‌ای معلوم عقد می‌کند و بدون طلاق با تمام‌ شدن مدت زمان معین شده نکاح پایان می‌پذیرد و تأمین نفقه و مسکن زن بر مرد واجب نیست و اگر یکی از زن و مرد در مدت نکاح بمیرند از همدیگر ارث نمی‌برند.

با توجه به مطالب گذشته ازدواج مسیار ذاتاً با ازدواج موقت نزد برادران تشيع تفاوت دارد چون ازدواج مسیار همان ازدواج دائم است که در آن زن از مقداری حقوق خود تنازل می‌کند.

در نکاح متعه برادران تشیع احکام شرعی متفاوت از احکام شرعی ازدواج دائم بر آن مترتب می‌کنند. مانند اینکه:

1. در ازدواج موقت (نکاح متعه) طلاق وجود ندارد و با تمام‌شدن مدت آن طلاق زن واقع می‌شود. اگر مدت آن یک هفته باشد بعد از پایان آن عقد نکاح به پایان رسیده. و ارتباط آنها با همدیگر حرام می‌شود لذا نیازی به تلفظ طلاق برای انتهاء عقد نیست. (شرائع الاسلام حلّی 4/297 با شرح عبدالزهراء حسینی واللمعه الدمشقیه 5/289 و الکافی 5/451).
2. با ازدواج موقت میراث بین آنها ثابت نمی‌شود و اگر یکی از آن دو در اثناء نکاح متعه بمیرد از دیگری ارث نمی‌برد. (شرائع الاسلام 4/298 واللمعه الدمشقیه 5/296 والکافی 5/451).
3. وقتی مدت نکاح متعه پایان پذیرفت عدة زن دو حیض و اگر زن حائضه نباشد عدة او چهل و پنج روز است. (شرائع الاسلام 4/298، اللمعه الدمشقیه 5/301، الکافی 5/458).

اما عدة ‌مطلقه در ازدواج شرعی صحیح برای زنان حائضه سه قرء و برای زنان غیر حائضه (به علت سن کم یا کهولت سن) سه ماه است. خداوند می‌فرماید: ﴿وَٱلۡمُطَلَّقَٰتُ يَتَرَبَّصۡنَ بِأَنفُسِهِنَّ ثَلَٰثَةَ قُرُوٓءٖۚ﴾ [البقرة: 228].

«زنان مطلقه، بايد به مدت سه مرتبه عادت ماهانه ديدن (و پاك شدن) انتظار بكشند! ( عده نگه دارند)».

﴿ وَٱلَّٰٓـِٔي يَئِسۡنَ مِنَ ٱلۡمَحِيضِ مِن نِّسَآئِكُمۡ إِنِ ٱرۡتَبۡتُمۡ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَٰثَةُ أَشۡهُرٖ وَٱلَّٰٓـِٔي لَمۡ يَحِضۡنَۚ﴾ [الطلاق: 4].

«و از زنانتان آنان كه از عادت ماهانه مأيوسند اگر در وضع آنها (از نظر بارداری) شك كنيد عدّه آنان سه ماه است، و همچنين آنها كه عادت ماهانه نديده‌اند».

یکی از شروط ازدواج موقت تعیین پایان مدت زمان عقد و مقدار مهریه آن است.

حلی می‌گوید: وقتی مقدار مهریه و مدت زمان نکاح مشخص شد عقد صحیح است. ولی اگر مهریه ایراد داشته باشد گرچه مدت آن مشخص باشد درست نیست.

او می‌گوید: تعیین اجل در نکاح متعه شرط لازم است و اگر تعیین نشود نکاح دائم به حساب می‌آید. و مدت نکاح کم باشد یا زیاد مانند: یک سال، یک ماه یک روز و ... باید تعیین گردد و قابل تغییر نیست. اگر مدت آن کمتر از یک روز باشد باید انتهاء آن مانند زوال آفتاب یا غروب آن معلوم شود. (مرجع سابق 4/294 – 295، اللمعه الدمشقیه 5/286 – 287، المبسوط طوسی 4/238).

عاملی می‌گوید محدودیت در مهریه (زیاد یا کم) و محدودیت در اجل (زیاد یا کم) وجود ندارد و قول بعضی که باید حداقل زمان آن بین طلوع خورشید و زوال آن باشد استثنا است. (اللمعه الدمشقیه 5/285). بنابراین ازدواج موقت در کمترین زمان مثلاً یک ساعت یا کمتر از آن نیز جائز است.

تفاوت ديگر ازدواج مسيار و ازدواج موقت

1. در نکاح متعه حضور ولی و شاهدان شرط نیست، اما در ازدواج مسیار مانند ازدواج دائم حضور ولی و شاهدان شرط الزامی است. (مستدرک الوسائل 4/459، الوسائل 21/64).
2. مردی که نکاح متعه می‌کند در تعداد زنان در یک زمان محدودیت ندارد. یعنی می‌تواند تعداد زیادی زن با عقد موقت در یک زمان داشته باشد، اما در ازدواج مسیار همزمان نمی‌تواند بیشتر از چهار زن داشته باشد گرچه عقد همه آنها مسیار باشد. (الکافی 5/452).
3. در نکاح متعه اگر زن غائب شود مستحق مهریه نیست و مرد می‌تواند به نسبت غیبتش مهریه را کم کند جز ایامی که زن در حیض است، اما در نکاح مسیار مانند ازدواج دائم (بعد از دخول) در هر حال مستحق کل مهریه است.

در هر صورت از سبره الجهنی نقل شده که گفت: پیامبرص فرمود: «يا أيها الناس إني قد كنت أذنت لكم في الاستمتاع من النساء وإن الله قد حرم ذلك إلى يوم القيامة فمن كان عنده منهن شيء فليخل سبيله ولا تأخذوا مما آتيتموهن شيئاً» (رواه مسلم: 1406).

«ای مردم من در نکاح متعه به شما رخصت دادم اما اکنون خداوند آنرا تا روز قیامت تحریم کرد هر کس زنی با نکاح متعه دارد آنرا رها کند و از مهریه آنها کم نکند».

تبصره

براستی هر انسان سلیم الفکری با دقت به ازدواج موقت نظر کند آنرا از چند نظر ناپسند و قبیح می‌‌داند.

أ) اگر انسان در زمان موقت آن بنگرد که ممکن است یک ساعت یا کمتر از آن باشد فوراً متوجه می‌شود هدف از این ازدواج تنها ارضاء شهوت و تخلیه منی است که در معنا همان سفح است چون مرد زناکار نیز هدفی جز تخلیه منی و ارضاء شهوت ندارد و دقیقاً وجه تسمیه زنی به سفاح همین است.

ب) اگر به زنی که نکاح متعه می‌کند بنگری نمی‌توانی او را عفیف و پاک‌دامن بنامی، بی‌شک انسان نسبت به او نظر خوبی ندارد زیرا کار او ناشی از عفت و پاکی نیست بدین خاطر این نوع نکاح سری انجام می‌شود و آشکارش نمی‌کنند چون فطرت انسان آنرا نمی‌پسندد.

اگر شما به هر زنی – ولو غیر مسلمان – بگویی: به مدت یک یا چند ساعت یا چند روز با تو ازدواج می‌کنم و در مقابل به تو اجر پرداخت می‌نمایم. یقیناً او می‌داند این امر ازدواج نیست و تفاوتی با زنی ندارد.

ج) وقتی انسان به ولی زن در نکاح متعه فکر می‌کند می‌گوید: او چگونه به دختر یا خواهرش اجازه می‌دهد برای مدت چند ساعت یا چند روز به نکاح مردی درآید و پس از این مدت ازدواج پایان پذیرد. بی‌شک این ولی بسیار بی‌ارزش به نظر می‌آید زیرا والاترین صفت مرد مسلمان یعنی شرف و غیرت را از خود سلب کرده است. بدین خاطر نکاح متعه بدون حضور ولی صورت می‌گیرد و فقهاء شیعه موافقت ولی را به شرط نگرفته‌اند.

حلّی می‌گوید دختر یا زن بالغ و رشید می‌تواند عقد ازدواج موقت ببندد و ولی او حق اعتراض ندارد. (طبق مشهورترین قول). (شرائع الاسلام حلی 4/296).

بدین خاطر نکاح متعه پنهان می‌ماند و جز زوجین و عاقد آنها هیچ کس حتی ولی زن نیز گاهی از آن اطلاع ندارد چون احساس عیب و عار به همراه دارد.

بنابراین نکاح متعه عمل قبیحی است و هر عاقلی که متأثر از هوا و شهوت نشده باشد آنرا ناپسند و ممنوع می‌داند پس وقتی انسان عاقل به چنین نتیجه‌ای می‌رسد. معقول نیست شارع حکمی صادر کند که عقل آنرا نمی‌پسندد و برای ممنوع ‌بودنش و تطابق این حکم با معیار عقل این آیه کافیست که می‌فرماید: ﴿۞إِنَّ ٱللَّهَ يَأۡمُرُ بِٱلۡعَدۡلِ وَٱلۡإِحۡسَٰنِ وَإِيتَآيِٕ ذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَيَنۡهَىٰ عَنِ ٱلۡفَحۡشَآءِ وَٱلۡمُنكَرِ وَٱلۡبَغۡيِۚ يَعِظُكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَذَكَّرُونَ ٩٠﴾ [النحل: 90].

«خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزديكان فرمان مى‏دهد; و از فحشا و منكر و ستم، نهى مى‏كند; خداوند به شما اندرز مى‏دهد، شايد متذكر شويد».

خلاصه

از مطالب گذشته متوجه شدیم که نکاح متعه و مسیار با هم شباهت ندارند و ذاتاً با هم اختلاف دارند. خلاصه این اختلافها عبارتند از:

ازدواج مسیار ابدی است و تمام ارکان و شرائط شرعی ازدواج دائم را دارد و تمام احکام شرعی ازدواج دائم بر آن مترتب است. از جمله: مهریه، نفقه، مسکن، ثبوت نسب فرزندان، وجوب عده شرعی هنگام طلاق یا مرگ شوهر و بردن ارث از همدیگر، با این تفاوت که زن از بعضی از حقوق خود در برابر شوهرش تنازل می‌کند.

با این وصف علماء در ازدواج مسیار سخت‌گیری می‌کنند تا عوارض منفی آن باعث از هم‌پاشیدگی نهاد خانواده نشود.

اما نکاح متعه، ازدواج موقت است و با تمام‌شدن وقت آن بدون طلاق باطل می‌گردد و آثار ازدواج دائم بر آن مترتب نیست. مثلاً زوجین از همدیگر ارث نمی‌برند و عدة زن در نکاح متعه با نکاح دائم متفاوت است. از نظر حکم نیز با هم برابر نیستند.

بنابراین هرگز نباید ازدواج متعه را بر ازدواج مسیار قیاس کرد.